

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۱۵ اپریل ۲۰۱۸

بشریت در آستانه نابودی کامل

۲

متحدین امریکا و انگیزه های آنها:

۱- نخستین کشوری که به مثابه کاسه داغتر از آتش در قبال اتهام استفاده از گازکیمیائی به صورت افراطی از خود عکس العمل نشان داد، استعمار پیرانگلیس بود، این کشور که بنا به ادعای روسیه از زبان وزیر خارجه آنکشور و نماینده دایمی اش در ملل متحد، خود در پشت تمام تحریکات قرار دارد. - وقتی سرگئی لاوروف جمعه ۱۳ اپریل / ۲۴ حمل بدون آن که از انگلستان نام ببرد گفت: «ما شواهد غیرقابل انکاری در دست داریم که نشان می‌دهند این (حملة کیمیائی به دوما) نمایش جدید دستگاه‌های اطلاعاتی یک کشور است که در حال حاضر در خط مقدم کارزار روسیه ستیزی قرار دارد.» نماینده انگلستان در ملل متحد ادعای روسیه را یک دروغ و ادعای سخیف معرفی نمود. عکس العمل نماینده انگلستان در ملل متحد، به حساب "دزد بالای خود پر دارد" به همه فهماند که منظور لاوروف انگلستان و استخبارات آن کشور بوده است. از چند جهت تلاش می‌ورزد تا مناسبات روسیه و جهان غرب را به نقطه انفجار و آشتی ناپذیری برساند، تا مگر:

الف- این نکته بر هیچ کس پوشیده نیست و انگلیسها خود شان هم نخواسته اند آن را ببوشانند که تقابل فعلی روسیه و انگلستان گذشته از اختلافات دوره های دور، بعد از آن حدت گرفت که در رأی گیری برای انتخاب محل مسابقات جهانی فوتبال ۲۰۱۸، انگلستان از جانب روسیه شکست تحقیر آمیزی خورده با یک رأی در مقابل ۱۸ رأی از صحنه کنار ماند. تدویر چنین مسابقاتی که حد اقل رقمی بین ۸ الی ۱۰ میلیارد دالر برای کشور میزبان به ارمغان می آورد، باعث گردید که از همان ۸ سال قبل انگلیسها در هر واقعه ای، مسأله تحریم مسابقات جهانی مسکو را یادآوری نمایند. چنانچه بعد از الحاق کریمیه به روسیه و بعد ها مسأله مسمومیت جاسوس دو جانبه و دخترش، باز هم از همین در وارد شده حتما اعلام داشت که از خاندان سلطنتی کسی در آن تورنمنت حصه نخواهند گرفت.

تا جایی که از برخورد های افراطی و خصمانه انگلیسها برمی آید، هرگاه قضیه به جنگ و درگیری های خونین و تباه کننده نینجامد، می توان مطمئن شد که باز هم به مثابه مجازات روسیه، تحریم شرکت در آن تورنمنت را پیشنهاد خواهد کرد. در اینجا شانس بدی که نصیبش شده گذشته از نقش فوتبال دوستان اروپائی که با آسانی تسلیم اراده دولتهای شان خواهند شد، امریکا، ایتالیا، هالند و تعداد زیادی از کشورهای نزدیک به انگلستان نتوانسته اند خود را به آن تورنمنت برسانند، در نتیجه آنهایی که به دنبال چنین پیشنهادی حرکت نمایند، در واقع خود را مجازات می نمایند.

ب- اساسی ترین دلیل انگلستان از تشدید تنش بین شرق و غرب و یا به عبارت ساده بین روسیه و ناتو، برمی گردد به تصمیم مردم انگلستان در قسمت خروج آن کشور از اتحادیه اروپا و پی آمد های سیاسی و اقتصادی این خروج. انگلستان دقیقاً متوجه شده است که با برآمدن آن کشور از اتحادیه اروپا و خسارات مالی و جرایم برخاسته از آن تصمیم، به ده ها میلیارد دالر می باید برای رقبای اروپائی خود به خصوص المان در قدم اول و فرانسه در قدم دوم بپردازد، گذشته از آن می باید این نکته را نیز قبول نماید که بعد از برآمدن از اتحادیه اروپا، در کشورهای عضو اتحادیه حیثیت انگشت ششم را خواهد یافت. روی همین علت سخت تلاش دارد تا به هر بهانه ای که شده فضاء را قسمی متشنج بسازد، که مسأله خروج از اتحادیه نه تنها به عقب کشانده شود بلکه با زمینه سازی های مجدد و ضمن یک رفراندوم جدید، مجدداً درخواست عضویت بدهد. این قضیه از دید انگلستان تنها به لحاظ مسایل مالی نیست بلکه ترس بزرگتر آن کشور این است که سکاتلند و ایرلند شمالی دست به رفراندوم جدائی طلبانه زده، در نهایت انگلستان شاهد تجزیه اش گردد.

پ- سومین عامل در تحریکات افراطی و بیش از حد انگلستان، شکست افتضاح آمیز توطئه مسمومیت جاسوس دو جانبه و دخترش بود. انگلستان که فکر می کرد از آن طریق خواهد توانست حریفش را ضربه فنی نماید و به همین منظور کشورهای اروپائی زیادی به حمایت از آن کشور وارد میدان شدند، در نهایت بعد از ابراز نظر مؤسسات نظامی خود آن کشور و ایجاد شک و شبیه در روسی بودن سم، موضعگیری حزب مخالف و از همه بالاتر مرگ حیوانات خانگی آن جاسوس و اختفای اجساد آن حیوانات به وسیله دولت انگلیس، دامنش را چنان بالا نمود که تعدادی از متحدینش در صدد عذر خواهی از روسیه برآمدند، نمی تواند چنان شکستی را پذیرا گردیده، به رسوائی اش تن دهد.

ت- عامل دیگر اتخاذ چنین موضعگیری، شکست خفت بار نیروهای دست ساخت انگلیس و فرانسه در غوطه شرقی بود. این دو کشور که فکر می کردند بعد از سقوط دمشق و ختم دولت اسد، نیروهای آنها از غوطه شرقی اولین نیروهائی خواهند بود که خود را به دمشق رسانیده و از آنجا با پیشدستی بر رقیبان، حاکمیت انگلیس و فرانسه را از زبان خود اعلام خواهند داشت و به همین امید طی هفت سال گذشته صد ها میلیون دالر بالای آن افراد و گروهها سرمایه گذاری نمودند، وقتی در این اواخر متوجه شدند که تمام آرزوهایشان به مانند یک حباب روی آب در حالت ترکیدن است، فضاء را قسمی سازماندهی نمودند که بر تشنج تا سرحد احتمال درگیری های خونین قدرت های نظامی بزرگ جهان افزایش به عمل بیاید. امیدی که با خروج آخرین افراد مسلح از غوطه شرقی به یأس مبدل شد.

۲- دومین کشور اروپائی آتش بیار جنگ در طی هفت سال گذشته و همین اکنون در مسأله سوریه، دولت فرانسه است. دولت فرانسه که از آغازگران دخالت در امور داخلی سوریه و مسلح ساختن باند های اسلامی القاعده و نهاد های مشابه آن در خاک سوریه بود و به همین علت یک بار در یک سازش ذلت بار، جهت حفظ نامش و جلوگیری از محکومیت بین المللی، فابیوس وزیر خارجه اش را نیز از کار برکنار کرد، گذشته از آن که مانند انگلستان درد شکست در غوطه شرقی برایش غیر قابل تحمل می باشد، مشکلات داخلی خود آن کشور، دولتش را وادار می سازد تا جهت فرار از فشار های داخلی جنگی را در خارج از فرانسه مشتعل بسازد.

مشکلات داخلی که رئیس جمهور مکرون را وادار می سازد تا به بهای خون هزاران و چه بسا میلیونها انسان، حاکمیت خودش را ادامه دهد، خیزش تظاهراتی کارگران خطوط حمل و نقل زمینی و هوائی در هماهنگی با جنبش گسترده محصلان دانشگاه ها و متعلمان مکاتب آن کشور علیه قواعد لیبرالی جدیدی که دولت مکرون می خواهد عملی کند، می باشد. این جنبش که به استناد اسناد نشر شده، بعد از جنبش های سال ۱۹۶۸ برای اولین بار است که دولت فرانسه را به نبرد فرا می خواند، کاملاً روشن است که بدون دست زدن به یک جنگ تجاوزکارانه در خارج از مرزهای فرانسه، که به رئیس جمهور امکان می دهد تا با اعلام حالت اضطراری درجه یک، نه تنها هر نوع حرکتی را ضد منافع ملی اعلام

داشته سرکوب نماید، بلکه به وی این اجازه را نیز می دهد تا تمام قوانین موجوده فرانسه، حتا دادگاه قانون اساسی آن کشور را نیز به حالت تعلیق در آورد، برنامه های نیولیبرالی دولتش را عملی نماید. برای سرمایه این مهم نیست که چه تعداد انسان کشته می شود مهم آن است که برسرمایه افزودی به عمل آید، از همین روست که گفته اند: امپریالیزم خوکیست که نفت می آشامد و خون استقراغ می کند.

۳- سومین کشوری که می خواهد به هر قیمت ممکن تشنج در منطقه را فزونی بخشد و حتا منتظر اتهام استفاده از گاز های کیمیائی هم نشد و خودسرانه یک پایگاه نظامی سوریه را در پناه سکوت توأم با رضایت جهان غرب بمباران کرد، اسرائیل اشغالگر می باشد.

علت این خواست جنایتکارانه دولت اشغالگر اسرائیل، خیزشی ده ها هزار نفری است که مردم فلسطین، علیه ۷۵مین سالگرد تأسیس اسرائیل به راه انداخته و در همان اولین روز تظاهرات مسالمت آمیز مردم، ارتش اسرائیل بیش از ۱۳ فلسطینی را به قتل رسانید و حدود ۷۰۰ الی ۷۵۰ فلسطینی دیگر را مجروح ساخت. این حرکت دولت اشغالگر اسرائیل که با وجود حاکمیت سرمایه های مربوط به صهیونیزم بر رسانه های جهانی، باز هم پوشش نسبتاً وسیع یافت، باعث گردید تا امواج خشم و نفرت تمام خلقهای جهان یک بار دیگر به جانب دولت اسرائیل برگردد. برای اسرائیل در مقطع کنونی که از یک طرف آن تظاهرات ادامه دارد و از جانب دیگر خشونت و ددمنشی اسرائیل همه روز از خلق فلسطین قربانی می گیرد، ایجاد چنان فضائی که اخبار جنایات اسرائیل را در زیر صد ها عکس دروغ و پروپاگندی غرق نماید، آرزوییست که برایش می رزمند. از همین رو می توان با قاطعیت حکم نمود که یکی از دستان کثیفی که نمایش استفاده از بمب کیمیائی را آماده ساخته دست اسرائیل است.

۴- چهارمین متحد تجاوز غرب طی هفت سال گذشته در سوریه عربستان سعودی است. این کشور که بنا به اعتراف ولیعهد آن کشور با اسرائیل منافع مشترک دارد تا با کشور های اسلامی به خصوص سوریه، به اساس جنایاتی که در یمن مرتکب شده و بیش از ۱۰ هزار غیر نظامی یمنی را طی ۴ سال تجاوز آشکارش بر آن سرزمین به قتل رسانیده است، از آنجائی که در این اواخر از یک سو به شدت مورد انتقاد قرار گرفته و از سوی دیگر راکت های حوثی ها می تواند آسیب هائی بر آن وارد نماید، نیز خواستار تشدید فضای متشنج در منطقه تا سرحد درگیری های مسلحانه بین اسرائیل و امریکا در یک طرف و ایران و سوریه در طرف دیگر می باشد.

در کنار چهار کشوری که در فوق از آنها نام برده شد کشورهای خرد و کوچک دیگر نیز در آینده با این کاروان خواهد پیوست. هرچند فعلاً ترکیه در سمت مقابل قرار دارد و صدراعظم المان هم اعلام داشته که در حمله بر سوریه سهم نخواهد گرفت، مگر زمانی که جنگ شروع شود و توپخانه های دو طرف غرش نمایند، به یقین همان سانی که اتحاد های فعلی پایدار نمی ماند و اتحاد های جدیدی به وجود می آید، کشورهای زیاد دیگری که تا حال خود را از مسأله کنار کشیده اند، نیز داخل میدان خواهند گردید تا سهمی از غنایم خون آلود برده بتوانند.

ادامه دارد

یادداشت:

این نوشته قبل از آغاز تهاجم جنایتکارانه امریکا، انگلستان و فرانسه بر سوریه نگاشته شده است.

موسوی